[خطبه‌ی اول 2](#_Toc460537137)

[وظایف نهادهای دولتی از نگاه امیرالمومنین7 3](#_Toc460537138)

[ضرورت الگوگیری مسئولان از دولت امیرالمومین7 3](#_Toc460537139)

[اهم وظایف دولت، در قبال آحاد مردم از نگاه امیرالمومنین7 4](#_Toc460537140)

[1. عمران، آبادانی و رفاه جامعه 4](#_Toc460537141)

[2. امنیت... 5](#_Toc460537142)

[3. عدالت اقتصادی.. 6](#_Toc460537143)

[4. تربیت معنوی و احیای سنت‌های الهی... 7](#_Toc460537144)

[5. رعایت اخلاق در برابر مردم... 7](#_Toc460537145)

[6. نظم و نظارت در کارهای اداری... 8](#_Toc460537146)

[خطبه‌ی دوم 10](#_Toc460537147)

[خواندن دعای 45 صحیفه‌ی سجادیه در روزهای باقیمانده‌ی ماه مبارک 10](#_Toc460537148)

[تشکیل کشور اسرائیل و نقش انگلیس در پایه‌ریزی آن 11](#_Toc460537149)

[شعار از نیل تا فرات رژیم صهیونیستی 12](#_Toc460537150)

[توسعه‌طلبی رژیم صهیونیستی در سه مرحله 12](#_Toc460537151)

[عقب‌نشینی‌های رژیم صهیونیستی 12](#_Toc460537152)

[در گذشت یاسر عرفات یکی از رهبران فلسطین 13](#_Toc460537153)

[**دعا** 13](#_Toc460537154)

خطبه‌ی اول

السلام علیکم و رحمة الله

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ**. نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و علی آله الاطیبین الاطهرین، سیما بقیة الله فی الارضین.

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّـهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ)[[1]](#footnote-1)** **عبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله وَ مُلازِمَة امرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَزوا عِبادَالله فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَحیل[[2]](#footnote-2) (وَ تَزَوَدوا فَإِنَّ خَیرَ الزاد التقوی)[[3]](#footnote-3)**

در آخرین جمعه‌ی ماه مبارک رمضان همه شما نماز گزاران گرامی، برادران و خواهران ارجمند و خودم را به پارسایی، پرهیزکاری و فرمان‌بری از خداوند در همه‌ی احوال و شئون زندگی، سفارش و دعوت می‌کنم و از خداوند می‌خواهیم که درهای حکمت و بندگی و پارسایی را به روی همه ما بگشاید. امیدواریم خداوند همه‌ی ما را از بندگان وارسته و شایسته‌ی خود قرار بدهد. قبل از آغاز سخن و خطبه، لازم است از همه‌ی برادارن و خواهرانی که در راهپیمایی روز قدس شرکت کردند و در این آزمون دیگر الهی، موفق و سربلند بیرون آمدید، بویژه از نوجوانان و جوانان و دانش‌آموزان و دانشجویان گرامی، صمیمانه سپاسگذار و متشکر باشم و از خداوند برای نوجوانان و جوانان عزیزمان سلامت و سعادت و توفیق روز افزون داریم.

## وظایف نهادهای دولتی از نگاه امیرالمومنین7

در خطبه‌ی اول سال قبل، به نشانه‌های شهر سالم اشاره شد و الان هم بر همان محورهای هفت هشت‌گانه‌ای که در نگاه اسلام برای شهر سالم ذکر شده، تاکید می‌کنم. وظیفه‌ی همه‌ی ماست که آن نگاه جامع اسلام که همه‌ی ابعاد و شئون زندگی شهروندان یک شهر سالم را در بر می‌گیرد، مورد توجه قرار دهیم. هر یک از برادران و خواهران، در هر جایی که هستید در منطقه و محلی که هستید، باید پرچمدار شاخص‌های شهر دینی و معنوی و پیشرفته باشیم.

### ضرورت الگوگیری مسئولان از دولت امیرالمومین7

در فرازهایی که در این خطبه عرائضی به دولت‌مردان و اداریان و صاحبان و مقام و مسئولین خواهیم داشت. همان طور که اسلام برای یک شهر سالم و جامعه‌ی پیشرو و آبرومند، وظایفی را بر دوش آحاد مردم قرار داده است، برای اداریان و صاحبان مسئولیت و دولت‌مندان نیز وظایف خطیرتری مقرر کرده است. در نگاه بسیار مترقی پیشوای پارسایان و امام مومنان، امیرالمومنین7 مسئولیت حکومت و مدیریت، مسئولیتی بسیار سنگین و همه‌جانبه است. از افتخارات ما شیعیان این است که بر پشتوانه‌ی حکومت چهار پنج ساله‌ی امیرالمومنین اعتماد کردیم و در تاریخ خود الگویی را نشان می‌دهیم که نه در مقام حرف و سخن، بلکه در مقام عمل، امیرالمومنین7 الگویی را از حکومت‌داری و مدیریت جامعه که شامل توجه به همه‌ی شئون زندگی بشر است، نشان داد. برای ما این افتخار بزرگی است که علی7 شهید مظلوم این ماه، در کلام و سخن خود عالی‌ترین منشورهای اداری و حکومتی را ارائه کرده است و از آن بالاتر این که در عمل و موقع اقدام و رفتار، حکومتی زیبا و کامل به بشیریت نشان داد.

اگر ما به بخش دوم نهج‌البلاغه، این منشور انسانیت و عدالت و آگاهی مراجعه کنیم، بخش عمده‌ای از نامه‌ها و مکتوبات امیرالمومنین7 را در قسمت دوم نهج‌البلاغه خواهیم دید که در هزار و چهارصد سال قبل، پیشوای معصوم و مظلوم ما، بالاترین و زیباترین مدل حکومتی و اداری را تبیین کرده است تا جایی که در قرن حاضر و در برابر دیدگان مردمانی که به دموکراسی و آزادی خود می‌بالند و آن همه ادعا دارند، هنوز منشور حکومتی علی و نامه‌های پیشوای پارسیان ما، در این زمان هم می‌درخشد و هنوز ظرفیت بزرگ و عظیمی در نهج‌البلاغه و در نگاه و مدل حکومتی امیرالمومنین وجود دارد که برای بشر امروز هم ارزشمند و الهام‌بخش است. این برای ما افتخار بزرگی است بخصوص برای جوانان، دانشگاهیان و مسئولان ما این امر باید مورد تامل قرار بگیرد. به اعتقاد ما، در درون تعالیم عالی و مترقی نهج‌البلاغه و سخنان دلربای علی7 هنوز آموزه‌های حکومتی وجود دارد که درد دنیای امروز را هم می‌تواند معالجه کند. این برای ما افتخار است. این که در سال اخیر شاهد این بودیم که عهد مالک اشتر به عنوان یک منشور اداری و حکومتی در سازمان ملل به ثبت رسید، چندان مهم نیست. به اعتقاد ما در درون تعالیم مترقی اسلام، ظرفیت‌های بیش از این وجود دارد و حکومت ما، مسئولان ما و صاحبان مقام و منسب ما باید به این تعالیم، هرچه بیشتر توجه و عنایت داشته باشند تا در سایه‌ی این تعالیم، الگوی مناسبی را از جامعه‌ی سالم و جامعه‌ی مترقی و جامعه‌ی بهرمند ارائه بدهیم.

### اهم وظایف دولت، در قبال آحاد مردم از نگاه امیرالمومنین7

آنچه که در سال قبل، به استناد آیات و روایات بر آن انگشت نهادند، وظایف آحاد جامعه، برای برپایی جامعه‌ی سالم و پیشرو و مترقی بود که در ابعاد مختلف ذکر شد و امروز به فضل الهی به استناد پاره‌ای از فرازها و سخنان علی7 به وظایفی که نهاد حکومت و مسئولان جامعه و صاحبان مسئولیت و موقعیت اداری دارند، از نگاه امیرالمومنین اشاراتی خواهم داشت. در تحلیل سخنان پیشوای پارسایان امیرالمومنین که او هم شاگرد مکتب حضرت رسول اکرم6 بود، چند امر از مولفه‌های اصلی حکومت سالم و قوی و از وظایف بنیادین حکومت و مسئولان و صاحبان مقام و موقعیت اداری و مدیریتی است. من این مسائل را در شش بند عرض می‌کنم.

#### عمران، آبادانی و رفاه جامعه

عمران و آبادانی و رفاه؛ در نگاه علی7 حکومت در قبال آبادانی و رفاه جامعه مسئول است. تا اینجا حکومت دینی و نهاد حکومت الهی، مانند سایر حکومت‌ها این را قبول دارد. امروز در نظریه‌های سیاسی غرب، در حکومت به عنوان متصدی رفاه و امنیت تاکید می‌کند. اسلام این دو محور را قبول دارد و این‌ها را نفی نکرده است. منشور جهانی علی7 در عهد مالک اشتر و سایر خطابات و خطبه‌ها و سخنان، بر هر دو محور دولت رفاه و امنیت تاکید می‌کند. اسلام، آنچه که در نظریات سیاسی امروز آمده است، به عنوان دولت رفاه و امنیت را از لحاظ اثباتی قبول دارد؛ اما چیزهای اضافه‌ای دارد که بعدا اشاره خواهم کرد. آبادی شهرها و جامعه و ترقی اقتصادی و رشد و توسعه‌ی اقتصادی و تامین رفاه عمومی و افزایش ثروت جامعه، از نکاتی است که مسئولیت هر نهاد اسلامی و دولت دینی است. در آغاز منشور حکومتی علی7 می‌خوانیم که چهار وظیفه را بر دوش مالک، به عنوان استاندار و فرماندار خود قرار داده است یک وظیفه‌ی اصلی این است که « **وَ عِمَارَةَ بِلَادِهَا»[[4]](#footnote-4)** مسئولیت مالک این است که آن شهر و منطقه‌ی مهم مصر آن روز را آباد کند. مسئول یک جامعه نمی‌تواند در قبال رشد و توسعه‌ی اقتصادی، افزایش حجم ثروت و پیشرفت اقتصادی بی‌تفاوت باشد. « **وَ عِمَارَةَ بِلَادِهَا»** این شعار نخستین عهد مالک است. « **وَ عِمَارَةَ بِلَادِهَا»** و در جای دیگری از همین عهد می‌فرماید: « **وَ لْيَكُنْ نَظَرُكَ فِي عِمَارَةِ الْأَرْضِ أَبْلَغَ مِنْ نَظَرِكَ فِي اسْتِجْلَابِ الْخَرَاج»[[5]](#footnote-5)**‏ مالک؛ حکومت نیاز به مالیات دارد؛ به جمع‌آوری مالیات برای اداره‌ی جامعه دارد. جامعه را بدون مالیات نمی‌شود اداره کرد؛ اما نگاه تو در جمع‌آوری مالیات، آبادی و توسعه‌ی زندگی مردم باشد. اولویت کاری و راهبرد اساسی و اصولی تو آبادی، رشد، رفاه و ترقی جامعه باید باشد. خراج و مالیات، باید در خدمت پیشرفت اقتصادی و توسعه‌ی اقتصادی جامعه قرار بگیرد. « **وَ مَنْ طَلَبَ الْخَرَاجَ بِغَيْرِ عِمَارَةٍ أَخْرَبَ الْبِلَادَ وَ أَهْلَكَ الْعِبَاد**»**[[6]](#footnote-6)**‏ دولت و مسئولانی که به دنبال جمع‌آوری مالیات باشند و منابع ثروت را در اختیار داشته باشند، اما اصل اولیه‌ی آن‌ها توسعه‌ی اقتصادی و آبادانی و رفاه جامعه نباشد، این‌ها شهرها را خراب می‌کنند و بندگان را به هلاکت می‌رسانند و کار آن‌ها استوار نخواهد شد. این نکته‌ی اول؛ آبادانی و رفاه، سرخط منشور حکومتی الهی، همان طور که در سایر سیستم‌های حکومتی و تئوری‌های حکومتی هم بر اصل آبادانی و رفاه و توسعه تاکید شده است.

#### امنیت

امنیت؛ پیشرفت و ترقی و سلامت جامعه در همه‌ی شئون و ابعاد، نیازمند آسایش و امنیت و مصون بودن آحاد جامعه بخصوص افراد متوسط و ضعیف، از دست‌برد خطرها و دزدی و غارت و هجوم و قتل و هر گونه آسیب اجتماعی که امنیت مردم را به خطر می‌اندازد. این هم سرخط و راهبرد دوم یک حکومت سالم و حکومت در دیدگاه امیرالمومنین7 است. در سخنی فرمودند: « **اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنِ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَافَسَةً فِي سُلْطَانٍ وَ لَا الْتِمَاسَ شَيْ‏ءٍ مِنْ فُضُولِ الْحُطَام**»**[[7]](#footnote-7)**‏‏ تا به اینجا می‌رسند « **فَيَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِك**»**[[8]](#footnote-8)**‏‏ خدایا می‌دانی که علی در زندگی خود‌ این را اثبات کرد که خدایا می‌دانی که اگر کاری به دست گرفتم، به خاطر رفاه و آسایش خود نبوده است. نگاه من به مسئولیت، این نبود که بر ثروتم بی‌افزایم یا در مقام قدرت‌خواهی وارد یک عرصه‌ی رقابت قدرت شوم. نه قدرت‌طلبی، انحصار جویی و افزودن بر ثروت شخصی را مبنای پذیرش بار امانت و مسئولیت قرار ندادم. بلکه این مسئولیت را به خاطر این پذیرفتم که نشانه‌های دین را به جایگاه خود برگردانم و اصلاح را در جامعه، حاکم کنم تا « **فَيَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِك**» تا امنیت بر جامعه حاکم شود. آحاد مردم احساس امنیت و آسایش کنند. این هدفی بود که علی7 تعقیب می‌کرد و جامعه‌ی دینی باید آن را تعقیب کند. این که در برابر خطرها و عوامل مخرب امنیت جامعه، بایستند و جامعه را امن کنند. این هم مسئولیت دوم حکومت است.

#### عدالت اقتصادی

عدالت اقتصادی و تامین حداقل نیازهای جامعه، راهبرد و سرخط سوم حکومت الهی و دینی است. علی7 شهید عدالت بود و عدالت به معنای این نیست که ما رفاه و توسعه‌ را تعقیب نکنیم. توسعه، رشد افزایش ثروت عمومی جامعه و آسایش و رفاه حداکثری در جامعه، سرخط اول بود. دوم هم امنیت و سوم یک راهبرد تعقیب کننده و آن نظارت بر تحقق عدالت در جامعه است. حتی آزادترین دولت‌ها نمی‌توانند خود را به عنوان آزادی اقتصادی مطلق، تعریف کنند. در هیچ جای دنیا این طور نیست. وظیفه‌ی هر حکومتی این است که با اهرم‌های لازم، گردش ثروت و توضیع ثروت را مراقبت کند و با دخالت‌های خود، مراقبت کند که حداقل نیاز اجتماعی، تامین شود. معنای عدالت این است که افرادی محروم از حداقل نیاز زندگی، نباشند. این شاخص اصلی عدالتی است که علی7 به آن اشاره می‌کند.

یکسان بودن جامعه، چیزی نیست که اسلام بر آن تاکید کند یا توضیع فقر یا عقب‌نشینی از توسعه و رشد اقتصادی در مدل حکومتی اسلام تعقیب نمی‌شود؛ به عکس، اسلام می‌گوید کار کنید؛ تلاش اقتصادی داشته باشید؛ فرهنگ کار را رواج بدهید. صبح که آفتاب طلوع می‌کند در جامعه‌ی الهی و دینی همه باید به کار و تلاش بپردازند. زن و مرد باید در فکر توسعه‌ی جامعه‌ی خود، افزایش ثروت و پیشرفت جامعه باشد. اسلام این را قبول دارد. اسلام دین عزلت و بی‌اعتنایی به رشد و ترقی جامعه در ابعاد اقتصادی نیست. ما رفاه، آبادانی، توسعه و امنیت در نگاه اسلام مورد قبول است؛ اما شاخص عدالت اجتماعی و اقتصادی باید بر رکن امنیت و رفاه و توسعه، سایه بی‌افکند. بدون آن معقول نیست. علی شهید عدالت بود. در دوره‌‌ی حکومت ایشان تلاش شد، همان طور که در تاریخ، ثبت شده است که کسی بی‌سرپناه نباشد. نیازمندی در حداقل زندگی خود، محروم نماند. این در فرصت کوتاه چهار پنج‌ ساله‌ای که همراه با جنگ‌ها و گرفتاری‌های طاقت‌فرسا برای علی بود، حضرت تلاش کرد تا آن حداقل را برای جامعه، فراهم کند.

**تولید کار برای توانمندان و حمایت از ناتوانان وظیفه‌ی مسئولین**

این باید نگاه حکومت، نگاه مسئولان، نگاه برنامه‌ریزان و کسانی باشد که در خدمت جامعه هستند. اولاً ترویج کار و زمینه‌سازی برای این که همه‌ی کسانی که می‌توانند ابزار کار برای آن‌ها فراهم باشد. ثانیا آن کسانی که نمی‌توانند، مورد حمایت قرار بگیرند. این مسئولیت حکومت است. البته این نافی مسئولیت ما و شما نیست که در قوام و کیشان و شهر خود، نگاه کمک به محرومان نداشته باشیم. باید داشته باشیم. اما بیش از این و مهم‌تر از این وظیفه‌ی حکومت و مسئولان است که زمینه‌ی کار برای همه‌ی کسانی که می‌توانند و مساعدت برای کسانی که نمی‌توانند تا حداقل و متوسط زندگی، برای جامعه تامین شود. این شاخص عدالت اقتصادی، تامین حداقل نیازهاست که در جای جای کلمات امیرالمومنین بر آن تاکید شده است و ما هم باید در این زمینه کار کنیم. تا اینجا سه راهبرد و شاخص اصلی یک حکومت سالم و طبعا یک حکومت دینی و الهی هم هست. در تئوری‌های دیگر حکومتی هم این سه شاخص مهم است خصوصا شاخص‌های اول و دوم؛ رفاه و ترقی، امنیت که خیلی مهم است. طبعا با اختلاف نظریه‌های سیاسی به عدالت اقتصادی هم توجه می‌شود؛ اما با شکل‌های مختلف. اسلام بر رفاه و تولید ثروت، ایجاد امنیت، حاکمیت عدالت اجتماعی و اقتصادی، تاکید می‌کند. دولت رفاه، دولت امنیت و دولت عدالت. این در نظریات دیگر هم هست. در دولت نظریه‌ی دولت لیبرال، که امروز در دنیا خیلی رواج دارد، که حداقل بر اولی و دومی تاکید می‌شود و بر سومی هم کم و بیش مورد توجه است. اما اسلام بر هر سه‌ی این‌ها بویژه بر سومی تاکید زیادی دارد. اما از این به بعد یک مقداری اسلام، با دولت رفاه و لیبرال خط خود را جدا می‌کند.

#### تربیت معنوی و احیای سنت‌های الهی

تعلیم، تربیت، تعلیم فرهنگ معنوی و احیای سنت‌های الهی، وظیفه و راهبرد دیگر حکومت الهی است که در دولت لیبرال نیست. دولت لیبرال، به یک فرهنگ عمومی می‌پردازد؛ اما در دین اسلام تعلیم و تربیت و بازسازی معنوی و عنایت به اخلاق الهی، امر مهمی است که نباید مورد غفلت قرار بگیرد. « **فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ فَالنَّصِيحَةُ لَكُمْ وَ تَوْفِيرُ فَيْئِكُمْ عَلَيْكُمْ وَ تَعْلِيمُكُمْ كَيْلَا تَجْهَلُوا وَ تَأْدِيبُكُمْ كَيْمَا تَعْلَمُوا**»**[[9]](#footnote-9)**‏‏ حق شما بر من علی این است که با همه‌ی وجود هم خیرخواه شما باشم و هم ثروت را به درستی توضیع کنم و هم این که به شما احکام دین و معارف الهی بیاموزم و شما را با شاخص‌های معنوی، تربیت کنم. همه‌ی آن رفاه و امنیت و عدالت در خدمت رشد معنوی و اتصال انسان با خداوند و قربت الهی باید قرار بگیرد. این شاخص چهارمی است که در اسلام به آن تاکید شده است. «**لِنَرِدَ الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ وَ نُظْهِرَ الْإِصْلَاحَ فِي بِلَادِك**‏»**[[10]](#footnote-10)**‏‏ ما آمده‌ایم تا معالم دین را احیا کنیم. سنت‌های الهی را در جامعه تحقق ببخشیم و معنویت و اخلاق در جامعه‌، سایه بی‌افکند. این هم مورد تاکید ویژه‌ی اسلام است که در جای جای نهج‌البلاغه آن را می‌بینیم. همین جاست که تئوری حکومت اسلامی و دینی از حکومت لیبرال جدا می‌شود و آن به خاطر اهتمام به معنویت و وظیفه‌دار بودن حکومت در قبال فرهنگی و معنوی جامعه است که در این جمله و در فرازهای دیگر نهج‌البلاغه آمده است.

#### رعایت اخلاق در برابر مردم

اعتماد بر مردم و رعایت اخلاق و خیرخواهی است. در اینجا نیز ما شاهد کلمات بسیار تکان‌دهنده‌ای برای کسانی که مسئولیتی در کار دارند، هستیم. علی7 در نامه‌ی عهد مالک اشتر و در موارد متعدد از نهج‌البلاغه سخنانی دارد که در این شاخص پنجم عرض می‌کنم. حضرت می‌فرماید: در برابر مردم، کبر مورز. « **فَانْظُرْ إِلَى عِظَمِ مُلْكِ اللَّهِ فَوْقَك**»**[[11]](#footnote-11)**‏‏‏ بدان خدا بر تو حاکم است. مسئولیت چند روزه‌ی تو، مایه‌ی تکبر و فخرفروشی به جامعه نباشد «**إِيَّاكَ وَ مُسَامَاةَ اللَّهِ فِي عَظَمَتِه**»**[[12]](#footnote-12)**‏‏‏ و تا جمله‌هایی که در جایی می‌فرماید: « **وَ أَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّة**»**[[13]](#footnote-13)**‏‏‏ این یک شعار اصولی و مهمی است که امیرالمومنین7 در این عهدنامه به بیان‌های مختلف بر آن تاکید کرده است. حضرت بر این تاکید کرده است که وجود خود را از محبت دیگران سرشار کن. یک مسئول و اداری باید در وجود خود علاقه‌ی بر گره‌گشایی و حل مشکل دیگران موج بزند و احساس فخر و غرور داشته باشد که می‌تواند گره از کار دیگران باز می‌کند. امیرالمومنین7 به بیان‌های مختلف این را در این عهدنامه بر آن تاکید می‌کند و بر این تاکید دارند که نصیحت و خیرخواهی و رحمت و مهربانی، روی گشاده، اخلاق زیبا و به کارگیری همه‌ی توان برای درست پاسخ دادن ارباب رجوع وظیفه‌ی اساسی و مهم کارگزاران و حکومت و مجموعه‌ی مسئولان است که در نامه‌ها و کلمات متعدد مولا علی7 بر این محور هم تاکید شده است.

#### نظم و نظارت در کارهای اداری

ایجاد نظام اداری سالم و به وجود آوردن یک نظام اداری که بتواند هم کار کند و هم اخلاق متعالی و الهی را در عمل و رفتار خود محقق کند. « **ثُمَّ انْظُرْ فِي أُمُورِ عُمَّالِكَ فَاسْتَعْمِلْهُمُ [اخْتِيَاراً] اخْتِبَارا**»**[[14]](#footnote-14)**‏‏‏. می‌فرماید: کارگزارن خود را با آزمون و مراقبت و نظارت به کار بگیر. باید نظارتی بر مجموعه‌ی کارگزاران و صاحبان مسئول، باید باشد. مبادا بر اساس پارتی و بر اساس رشوه و بر اساس هوای نفس، افرادی را به کار بگیری و بعد می‌فرماید: به همین اندازه هم در گزینش ماموران خوب اکتفا نکن و مراقبت کن که به درستی آن‌ها وظایف خود را انجام دهند. اگر شما نظام اداری سالمی را برپا کردید و مراقبت درست و سنجیده‌ای را اعمال کردید، آن وقت این موجب می‌شود که ماموران تو امانت‌دار باشند و گره‌گشای کار مردم باشند و مشکلات دیگران را به درستی رفع کنند. این تاکید دیگری است که امیرالمومنین در بخشی از سخنان خود دارد.

این شش محور اصلی در نگاه امیرالمومنین7 مورد عنایت و اهتمام ویژه است که اگر بخواهم یک نگاه کلی که سال قبل و امروز به اجمال و به صورت گزیده به آن اشاره شد، داشته باشم این است که حقیقتا ما در مدل حکومتی که علی7 برای ما ترسیم کرده است یک نظام مترقی برای ما ترسیم شده که باید هم ما و هم آحاد جامعه برای تحقق جامعه‌ای سالم و پیشرو در ابعاد مادی و معنوی و وظایفی که دین بر دوش ما قرار داده، تلاش کنیم و عمل کنیم و هم حکومت و مسئولان جامعه به این شاخص‌ها اهتمام بورزند. هنگامی جامعه‌ای در مسیر صلاح و ثبات قرار می‌گیرد که این دو وظیفه از سوی مردم و حکومت و مدیران، مورد اهتمام قرار بگیرد. این بالاترین وظایف است. طبق آنچه که امیرالمومنین7 در خطبه‌ی 216 نهج‌البلاغه فرموده‌اند. حضرت در آنجا می‌فرمایند: از بالاترین حقوقی که خداوند قرار داده است حقوق جامعه بر حکومت و حقوق حکومت بر جامعه است. اگر این دو حق متقابل، در جای خود قرار بگیرد و فرهنگ رعایت موازین اسلام، در رفتار و منش آحاد جامعه و بخصوص رفتار و کردار اداریان و مسئولان حکومت، متجلی شود آن جامعه می‌تواند در مسیر ترقی و سعادت قرار بگیرد. خدایا تو را به مقربان درگاهت، به پیشوای پارسایان و به مظلومیت علی7 سوگند می‌دهیم که به همه‌ی ما، امت ما و جامعه‌ی ما توفیق به عمل به وظایف خود عنایت بفرما. همه‌ی مسئولان و صاحبان موقعیت نظام ما را بر عمل وظایف و خدمت‌گذاری صادقانه به جامعه و تحقق بخشیدن به این معیارها و شاخص‌های بزرگ الهی، توفیق روز افزون کرامت بفرما.

**(بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ\*أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ\*وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ\*تَرْمِيهِم بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ\*فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ)[[15]](#footnote-15)**

صدق الله العلی العظیم.

خطبه‌ی دوم

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّـهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و علی علی امیر المؤمنین و علی الصدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی ائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و خلف القائم المنتظر. ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمن و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین.**

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ ( يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّـهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ)[[16]](#footnote-16) عبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله** در واپسین روزهای ماه مبارک رمضان، در حالی که ماهی را شما در مساجد و خانه‌ها و در هر جا و نقطه‌ی دیگر و در جمعه‌ها و جماعت‌ها و امروز در راهپیمایی روز قدس شرکت کردید، بعد از یک ماه آمادگی و کسب فیوضات ماه مبارک رمضان، بر استمرار تقوا، بر حفظ روحیه‌ی رمضانی در طول سال، تاکید و سفارش می‌کنم.

## خواندن دعای 45 صحیفه‌ی سجادیه در روزهای باقیمانده‌ی ماه مبارک

قبل از هر چیز همه‌ی شما برادران و خواهران گرامی و خودم را توصیه می‌کنم که در یکی دو روز باقیمانده، دعای 45 کتاب شریف صحیفه‌ی سجادیه را بارها بخوانید. خواهش من این است که هیچ کدام از ما از این دعا در این دو سه روز عبور نکنیم و چند بار این دعا را بخوانیم. ببینیم که چگونه امام سجاد7 در برابر ماه مبارک رمضان، زانو زده و در فراق آن گریه و سوگواری می‌کند. آه سر می‌دهد ناله می‌کند. امام سجاد7 در وداع ماه مبارک رمضان، مرثیه‌سرایی می‌کند. خدایا این قطعه‌ی زمانی، چقدر نورافشان است؟ این روزهای تحمل و بردباری چقدر درخشان است؟ شب‌های زیبای این ماه، چقدر مبارک و سرشار از خیر و برکت است که آن دید تیز امام سجاد7 و بصیرت نافذ آن امام بزرگوار، این طور ماه مبارک را ترسیم می‌کند. در مخیله‌ی ما هم خطور نمی‌کند. ما نمی‌فهمیم در عالم غیب و ملکوت، چه خبرهاست؟ در صحیفه‌ی سجادیه دریچه‌ای را از آن عالم به روی ما گشودند. خوهران و برادران؛ روزه‌داران و نمازگزاران؛ عمر ما به پایان می‌رسد. لحظه‌ی احتضار فرا خواهد رسید. عالم برزخ را تجربه می‌کنیم. قیامت رویاروی ماست. نشانه‌های قیامت هم اکنون برپاست. چرا نیاییم در مکتب امام سجاد7 زانو بزنیم؟ چرا در این مدرسه‌ی بزرگ رمضان و روزه، درس نمی‌آموزیم؟ معلمان بزرگ این مدرسه، مانند امام سجاد7 تابلویی را در دعای 45 صحیفه‌ی سجادیه گشوده‌اند که در این تابلو امام فریاد می‌زند: السلام علیک شهر الله الاکبر... سلام خدا بر تو ای رمضان؛ ای ماه بزرگ خدا. ای ماهی که در فراق تو می‌سوزیم. ای ماهی که از تو بهره‌ها گرفته‌ایم. ای ماهی که از تو سیر نشدیم؛ اگر سیر شدیم نشانه‌ی ضعف ایمان ماست. درود خدا بر تو ای ماه. ما نمی‌فهمیم. یک قطعه‌ی زمانی که اگر از یک عالم یا فیلسوف بپرسیم می‌گوید یک امر انتزاعی است و چیزی نیست. اما در عالم ملکوت، در منطق قرآنی یک حقیقت است و ماه رمضان یک قله‌ِی رفیع در زمان است و در روز قیامت ماه رمضان مجسم می‌شود و گواهی می‌دهد که این شخص، حرمت مرا نگه داشت و دیگری حرمت مرا زیر پا گذاشت. درود خدا بر رمضان. درود خدا بر سحرهای زیبای آن. درود خدا بر دعا و مناجات رمضان. امام سجاد7 این دریچه را به روی ما گشوده است. بیاییم در این چند روزه باقیمانده، توبه کنیم و برگردیم. تلاش کنیم با خواندن این دعا، پیوندمان را با رمضان، محکم کنیم. پیوندی که بعد از ماه مبارک نیز پایدار بماند. این وظیفه‌ی ماست. من بخصوص به جوانان عزیز و برومندان عرض می‌کنم که این فیض را باید در جوانی پایه‌ریزی کرد. این دیدگاه عرفانی و غیبی و ملکوتی را در سنین نوجوانی و جوانی پایه‌ریزی کنید. خود شما جوان‌ها، دانش‌آموزان و دانشجویان عزیز پیشقدم پایه‌ریزی فرهنگ معنوی ماه رمضان و فرهنگ دل‌دادگی به خداوند و شیدایی در عالم غیب و ملکوت را برای خود پایه‌ریزی کنید. خیلی ایام و ساعت‌های باقیمانده برکت دارد. شاید عمر ما به پایان رسید و نبودیم. دعا و انابه و درخواست کنیم. تلاش کنیم تا دریچه‌ای را به روی خود باز کنیم. صحیفه‌ی سجادیه و نهج‌البلاغه و مناجات‌ها برای این است که ما را به این مسیر هدایت کند. خدایا تو را به مقربان درگاهت قسم می‌دهیم که این دریچه‌ی رحمت را به روی ما بگشا. خدایا به ما توفیق بده که پیام ماه رمضان را بشنویم و حفظ کنیم.

## تشکیل کشور اسرائیل و نقش انگلیس در پایه‌ریزی آن

امروز، روز قدس هست و طبیعتا در چنین ایامی، لحظاتی را به مسئله‌ی جهان اسلام که با سرنوشت امت اسلامی، ارتباط وسعی دارد بپردازیم. از عمر صهیونیست بیش از یک قرن می‌گذرد. بلایی که غرب به آن دچار بود، با ساماندهی و برنامه‌ریزی بر سر دنیای اسلام خراب کنند. انگیزه‌های پوشالی مذهبی و دینی، با اهداف اهریمنی استعماری، در آمیخت. قبل از حدود یک قرن پیش و اواخر قرن 19 کسانی دور هم جمع شدند و حزب و جنبشی را به نام صهیونیزم پایه‌ریزی کردند. آرام آرام با تکیه بر قدرت‌های استکباری غربی و در زمانی که غرب، دولت عثمانی را فرو پاشید و در زمانی که غرب در مسیر ترقی قرار گرفته بود و نمی‌خواست جهان اسلام، مجد و شکوه گذشته‌ی خود را احیا کند، دست به دست هم دادند و نهضت ظالمانه، پایه‌ریزی شد. اولین جرقه‌های شکل‌گیری حکومت غاصب اسرائیل را باید در اعلامیه‌ی وزیر خارجه‌ی انگلیس در 1917 میلادی مشاهده کرد. در این سال، بعد از جنگ اول جهانی، در حالی که غرب، از یک جنگ خانمان‌سوز بیرون می‌آمد، در حالی که مصمم شده بودند انگلیس و دولت‌های غربی که مجد و شکوه اسلام را سرکوب کنند، نهضت صهیونیست در ارکان دولت انگلیس نفوذ کرد و وزیر خارجه‌ی انگلیس، اطلاعیه‌ای داد و نهضت صهیونیست را به رسمیت شناخت و انگلیس‌های مدعی آزادی و دموکراسی و صلح و آسایش برای بشریت، در 1917 گفتند ما آماده‌ایم که دولت اسرائیل شکل بگیرد آن هم در قلب عالم اسلام، در متن خاورمیانه و با غصب، از آن سال که جرقه‌ی دولت اسرائیل زده شده و با اجازه‌ی وزیر خارجه‌ی انگلیس، سیل مهاجرت به سرزمین فلسطین شروع شد. مسلمانان بارها شورش و مقاومت کردند؛ اما پشتوانه‌ی پول‌ها و اقتصادی و سیاسی و تبلیغاتی اروپا، یهودیان غاصب را در سرزمین اسلامی، تقویت کرد و آرام آرام زمین‌ها را خریدند و صاحبانشان را با زور و تجاوزگری بیرون کردند. با غروری که دولت‌های غربی به یهودیان داده بودند و با آن اعلامیه، حرکت‌ها شروع شد. 20-30 سال ملت فلسطین در دسترس دزدان و مهاجمان بی‌گانه‌ای بود که سرزمین آن‌ها را گرفتند و کشور او را زیر چکمه‌ی خود قرار دادند و علیرغم آن همه فریاد، فریادشان را کسی نشنید. بعد از جنگ جهانی اول، این حرکت ظالمانه آغاز شد و بعد از جنگ جهانی دوم و در سال 1948 اسرائیل به رسمیت شناخته شد. اول کار غربی‌ها بودند. انگلیس و آمریکا بود. کشورهایی که می‌گویند مسلمانان بیایند و با ما باشند. چگونه می‌تواند امت اسلامی دل به شما ببندد که در قلب و قبله‌ی اول و مسجد الاقصی او و پاره‌ی تن او را مورد ستم قرار دادید. چه طور می‌توان به شما اعتماد کرد؟ ما هم اعتقاد به رفاه و آسایش و صلح و امنیت هستیم. امام ما پرچمدار این حرکت بود. اما کجا می‌شود بر دشمن، اعتماد کرد. در 1948 اسرائیل پایه‌ریزی شد.

### شعار از نیل تا فرات رژیم صهیونیستی

چیزی که در مغزهای پوسیده‌ی آن‌ها طراحی شده بود، شعار از نیل تا فرات بود. با کمال پررویی. امروز هم بدانید اگر مقاومت مردم، اگر موجب انقلاب شکوهمند اسلامی نبود، اگر انتفاضه‌ی مقدس فلسطین نبود آن شعار را امروز هم تعقیب می‌کردند. امروز هم در مغزها و نقشه‌های آن‌ها که در تاریک‌خانه‌ها طراحی شده و امروز هم نگهداری می‌شود، شعارشان از نیل تا فرات است. تسخیر بخش عمده‌ی کشورهای اسلام و به دست گرفتن بازارهای اقتصادی جهان اسلام، نفوذ سیاسی و اجتماعی در همه‌ی ارکان قدرت در جهان اسلام، به دست گرفتن اهرم‌های قدرت در جهان اسلام، این‌ها راهبردهای اصولی آن‌هاست که هنوز هم پیگیری می‌شود. حدود 56 سال قبل اسرائیل پایه‌ریزی شد. عجیب این است که این دولت، بدون هیچ پشتوانه‌ی تاریخی و منبع و منشاء مشروعیت سیاسی، مورد تایید قدرت‌های غربی قرار گرفت.

### توسعه‌طلبی رژیم صهیونیستی در سه مرحله

مقداری که جلوتر بیاییم با کمال ناباوری می‌بینیم که دولت غاصب، باز هم دست از سر دنیای اسلام و همسایگان برنمی‌دارد. سه مقطع تاریخی را که دقت کنید می‌بینید که اسرائیل در ذات خود توسعه‌طلب است. پدیده‌ی نامبارکی که در هویت خود، غصب نهفته است ذاتش ذات نامشروع و غاصبانه و غصبی است در عین حال ادعای تجاوزگری و توسعه هم دارد. سه تاریخ را عرض می‌کنم. 1956-1967-1982 در فاصله‌های یک دهه، می‌بینیم که مرتب اسرائیل که اصل آن غصبی است به صحرای سینا حمله می‌کند و بخشی از کشور مصر را به خود ملحق می‌کند. اصل کار و هویت دولت شما غصبی ‌و بی‌پایه است اما در عین حال ادعا دارد. نشان می‌دهد که از نیل تا فرات تعقیب می‌کرده است. همراهی آمریکا پل هوایی نظامی که آمریکا حتی شوروی آن زمان و حمایت غربی‌ها موجب شد که در جنگ 1956 اسرائیل پیروز شود. پس در سال 1948 با تکیه‌ی بر آن‌ها پایه‌ریزی شد. در سال 1956 با پشتوانه‌ی دولت‌های غربی و ضعف کشورهای اسلامی، بخشی از سرزمین‌های اسلامی را تسخیر کرد. در سال 1967 جنگ دیگری شروع می‌َشود و باز همان شکست تلخ مسلمانان تکرار می‌َشود. در این حمله‌هاف کرانه‌ی باختری رود اردن، نوار قزه، صحرای سینا، بلندی‌های جولان در طول این دو جنگ، بر سرزمین اسرائیل افزوده می‌شود. دولتی که رو به پیشرفت و توسعه و ترقی است. چند سال بعد از انقلاب اسلامی ایران، در سال 1982 هم جنوب لبنان را اشغال کردند. شما همین چهار تاریخ را به ذهن خود بسپارید که خیلی چیزها می‌توانید بفهمید. پایه‌ریزی اسرائیل، اضافه کردن صحرای سینا، اشغال جولان، اشغال کرانه‌ی باختری، اشغال نوار مرزی اردن و نوار قزه و عجیب‌تر بعد از چند سال، بخشی از سرزمین لبنان و جایگاه شیعی لبنان را اشغال کرد. البته غیر از این چهار مقطع، جنگ‌ها و مقاومت‌های فراوانی در درون فلسطین و بیرون آن در برابر موج توسعه‌خواهی و افزودن بر سرزمین‌های غصبی را می‌بینیم؛ اما نقاط اصلی و عطف تاریخ اسرائیل این‌هاست.

### عقب‌نشینی‌های رژیم صهیونیستی

در طول این 56 سال و 5-6 جنگ و اشغالگری مستمر، در دو جا اسرائیل عقب‌نشینی کرده است. اولی عقب‌نشینی از صحرای سینا بعد از پیمان کمپدیوید. این عقب‌نشینی ارزشی نداشت چون با فشار آمریکا و خودفروشی مسئولان مصر، پیمان کمپدیوید امضا شد. پیمانی که برای اولین بار یک کشور اسلامی، اسرائیل را به رسمیت شناخت. این خنجری بود که به قلب مقاومت فلسطین فرو رفت و در قبال آن اسرایئل به رسمیت شناخته شد و مقداری هم از صحرای سینا که چندان نقطه‌ِی حساسی هم نبود به مصر برگشت.

اما دومین عقب‌نشینی اسرائیل در سال 2000 میلادی است. عقب‌نشینی از جنوب لبنان. این را دنیا نیز می‌پذیرد. عقب‌نشینی از جنوب لبنان، نخستین عقب‌گرد دولت غاصب اسرائیل است که امتیازی نگرفت و عقب‌نشینی کرد. این نخستین نشانه‌ی پیروزی حزب الله لبنان بود. خواهش می‌کنم که فقط به این تاریخ دقت کنید. یک بار اسرائیل بخشی از سرزمین‌های غصبی کشور لبنان را برگرداند بدون این که امتیازی بگیرد. این در اثر گفتمان انقلاب اسلامی بود. این در اثر مقاومت فرزندان شیعه‌ی ما و عزیزان ما در خطه‌ی جنوب لبنان و حزب الله لبنان بود. گفتمان انقلاب اسلامی در آن سرزمین رخ نشان داد و همین مایه‌ی اولین عقب‌نشینی اسرائیل از سرزمین جنوب لبنان شد. گفتمان انقلاب اسلامی و موج اسلام‌خواهی که با انقلاب شکوهمند اسلامی و با حضور حماسی شما مردم قهرمان ایران، در جهان امروز رقم خورد و پدیدار شد، در بسیاری از معادلات جهانی تاثیر عمیق گذاشت و در معادلات قدرت، در خاورمیانه و در قضیه‌ِی استراتژیک فلسطین و اسرائیل به چند نحو نشان داد. انقلاب اسلامی خود را اول در حزب الله لبنان خود را نشان داد. پیروان پیام آزادی‌بخش و انقلاب اسلامی ایران. حزب الله لبنان که امروز هم قدرتمندانه در خاورمیانه دارای منطق و حرف جدی برای گفتن است. بعد از آن در انتفاضه‌ی مبارک قدس و فلسطین. این نمود دیگر انقلاب اسلامی شما در معادلات قدرت خاورمیانه است. با مراحلی که انتفاضه طی کرد.

### در گذشت یاسر عرفات یکی از رهبران فلسطین

ما امروز در سوگ یکی از رهبران فلسطین قرار داریم که یاسر عرفات است که با همه‌ی نقاط ضعفی که در زندگی داشت اما به هر حال یک چهره‌ی سابقه‌دار و فداکار برای مردم فلسطین بود. گرچه در مقاطعی نسبت به انتفاضه روی خوشی نشان نمی‌دادند سازمان‌های رسمی فلسطین اما خوشبختانه در سال‌های اخیر بعد از این که اسرائیل و بخصوص باند خبیث شارونف حاضر نبودند که حداقل امتیازات را به این‌ها بدهند. انسان‌هایی که پای میز مذاکره رفته بودند و حاضر بودند که گفتگو کنند اما در عین حال ایشان را دو تا سه سال در رام الله حبس کردند. به هر حال این نهضت‌ها برگفته از نهضت انقلاب اسلامی بود که از بصیرت شما مردم عزیز نشات گرفت.

**دعا**

نسئلک اللهم و ندعوک، باسمک العظیم الاعظم، الاعز الاجل الاکرم یا الله

خدایا دل‌های ما را به انوار ایمان روشن بفرما؛ اللهم اغفر للمومنین و المومنات والمسلمین والمسلمات؛ اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر و اهله؛ اللهم انصر جیوش المسلمین و عساکر المسلمین؛ خدایا خدمتگزاران به اسلام و مقام معظم رهبری و مراجع عظام را مؤید و منصور بدار؛ ارواح تابناک شهیدان و امام شهیدان و اموات و درگذشتگان و مراجع و علمای فقید ما و درگذشتگان این جمع را با اولیای خودت محشور بفرما؛ باران رحمت و برکاتت بر ما فرو بفرست؛ سلام ما را به محضر امام عصر7 ابلاغ بفرما؛ ما را از یاران او مقرر بفرما.

**( بسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يلِدْ وَلَمْ يولَدْ وَلَمْ يكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ)[[17]](#footnote-17)**

1. . سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی 102. [↑](#footnote-ref-1)
2. . نهج البلاغة، خطبه 204، ص 234. [↑](#footnote-ref-2)
3. 2. سوره‌ی بقره‌ُ، آیه‌ی 197. [↑](#footnote-ref-3)
4. . نهج‌البلاغه، عهدنامه مالک اشتر، ص 427. [↑](#footnote-ref-4)
5. . نهج‌البلاغه، عهدنامه مالک اشتر، ص 436. [↑](#footnote-ref-5)
6. . نهج‌البلاغه، عهدنامه مالک اشتر، ص 436. [↑](#footnote-ref-6)
7. . نهج‌البلاغه، ص 189. [↑](#footnote-ref-7)
8. . نهج‌البلاغه، ص 189. [↑](#footnote-ref-8)
9. . نهج‌البلاغه، ص 79. [↑](#footnote-ref-9)
10. . نهج‌البلاغه، ص 189. [↑](#footnote-ref-10)
11. . نهج‌البلاغه، ص 428. [↑](#footnote-ref-11)
12. . نهج‌البلاغه، ص 428. [↑](#footnote-ref-12)
13. . نهج‌البلاغه، ص 428. [↑](#footnote-ref-13)
14. . نهج‌البلاغه، ص 435. [↑](#footnote-ref-14)
15. . سوره‌ی فیل، آیات 1تا 5. [↑](#footnote-ref-15)
16. . سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی 102. [↑](#footnote-ref-16)
17. . سوره الاخلاص [↑](#footnote-ref-17)